

اهداف و کارکردهای نظارت در نظام سیاسی اسلام

بهرام اخوان کاظمی*

چکیده

نظارت در نظام اسلامی و منابع دینی از جایگاهی عالی برخوردار است و منابع اسلامی در این مبحث آموزه‌هایی روشن و کاربردی دارد، همچنان‌که نظارت عمومی و مسئولیت همگانی از تکالیف دینی و وظایف عامه مردم و حقوق عمومی آنها است که رابطه و تعامل تنگاتنگی با فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد. با توجه به این اهمیت، موضوع اصلی در نوشتار حاضر اهداف و کارکردهای نظام نظارتی در نظام سیاسی اسلام است و تلاش شده تا حد مقدور با استناد به آیات الهی و روایات، به گونه‌ای مستند تبیین و گستردگی، متعالی و مترقی بودن این اهداف و کارکردها از جوانب مختلف دینی، سیاسی، اجتماعی و ... اثبات شود.

کلیدواژه‌ها: نظارت، امر به معروف و نهی از منکر، نظام سیاسی، اسلام، اهداف، کارکردها، کنترل قدرت، اصلاحگری.

مقدمه

پیامدهای گسترده‌ای را می‌توان برای امر نظارت در نظام سیاسی اسلام بیان کرد و در واقع اهداف و کارکردهای نظارت بهینه در هر سازمانی و از جمله دولت به خوبی مشهود و انکارناپذیر است. افزون بر این، وابستگی کامل نظارت با بسیاری از آموزه‌های اسلامی همانند امر به معروف و نهی از منکر باعث شده است که اهداف و کارکردهای بسیار گسترده‌تری را بتوان برای امر نظارت در نظام سیاسی اسلام تصور کرد. بدین ترتیب، موضوع اصلی پژوهش حاضر اهداف و کارکردهای نظارت در نظام سیاسی اسلامی است

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز kazemi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۳

که از لحاظ نگارنده انکارناپذیر تفکیک، و با یکدیگر متناظر است. فرض این نوشتار بر این استوار است که، براساس آموزه‌ها و منابع اسلامی، اهداف و کارکردهای بسیار گسترده، متعالی و مترقی از جوانب مختلف دینی، سیاسی، اجتماعی و ... برای امر نظارت پیش‌بینی و طراحی شده است که تحقق توحید و اجرای شریعت، احیای حق و عدالت‌خواهی، تحقق معروف، اصلاحگری و فسادستیزی، اهتمام به امور مسلمین، همبستگی اجتماعی، مهار و کنترل قدرت سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی و ارتقای قانون‌مداری، و مسئولیت‌پذیر و پاسخگو کردن نظام سیاسی از جمله این اهداف به‌شمار می‌آید. در سطور آتی تلاش شده است به موضوع تحقیق پرداخته و مدعای پیش‌گفته با آوردن استنادات لازم آزمون شود. افزون بر این، گردآوری مدارک در این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و روش تحقیق از لحاظ ماهیت، نقلی و عقلی است.

۱. تحقق توحید و اجرای شریعت

در آموزه‌های اسلامی، اساس نزول پیامبران و ازجمله رسالت نبی مکرم اسلام و تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای دستیابی به هدف والای تحقق توحید و اجرای شریعت توحیدی اسلام است. بر همین مبنا نیز، هرگونه نظارتی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن‌ها، در وهله اول باید به دنبال تحقق توحید و شریعت اسلامی و تربیت مؤمنانه و توحیدی و متشرعانه مردم باشد و هدف از هر امر به‌معروف و نهی از منکری — به‌عنوان اصلی‌ترین مصداق نظارت — باید به‌منظور رساندن مردم به نورانیت توحید و خارج کردن آن‌ها از ظلمت‌ها باشد تا مردم بدین‌وسیله در دنیا و آخرت، به سعادت و رستگاری الهی نائل شوند. امام خمینی (ره) نیز وجوب امر به‌معروف و نهی از منکر را با وجوب خروج همگان از ظلمت به‌سوی نور تشبیه می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۱/۳۸۶-۳۸۷) و می‌فرمایند:

خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت کرده است که از ظلمت‌ها به‌سوی نور بروند، و در ظلمات باقی نمانند. کارهایی که انحرافی است ظلمات است. اخلاق زشت ظلمت است. اعمال زشت ظلمت است. نور آن است که خداوند دعوت به او کرده است و اسلام، هدایت به او ... (همان: ۱۰/۲۶۸).

همچنین، از آن‌جا که هدف و کارکرد اصلی موضوع نظارت در نظام سیاسی اسلام در وهله اول تحقق توحید و شریعت اسلامی است، می‌توان نتیجه گرفت که اصلی‌ترین ملاک و معیار سنجش در نظارت اسلامی ملاک‌های مبتنی بر شریعت توحیدی اسلام است؛

همان‌گونه که ملاک عمل هر مسلمان ایمان اوست و مطابق روایات فراوان، عمل افراد گواه ایمان آن‌ها به خدا است و درواقع، ایمان بدون عمل یا عمل بدون ایمان هیچ ارزشی نخواهد داشت. پیامبر خدا(ص) در این زمینه می‌فرماید: «ایمان و عمل دو برادر و شریک و مقارن با یکدیگرند. خداوند هیچ‌یک را بدون دیگری نمی‌پذیرد» (متقی، ۱۴۲۴: ۵۹).

مطابق این روایات، عمل انسان به‌مثابه آینه‌ای است که ایمان او را می‌نمایاند. پس این امر نقطه آغازی است برای ایجاد یک تشکل نظارتی، مطابق اصول و موازین اسلامی؛ به این معنا که در اسلام اعمال اشخاص با معیار کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) و موازین ایمان سنجیده می‌شود و همه قوانین و مقررات وضع شده نیز باید منطبق با این موازین باشد.

به دیگر سخن، مبنای نظارت بر حاکمان و مردم در حکومت اسلامی احکام و موازین اسلامی است. عملکردها با میزان اسلام تقویم می‌شود و بر اعمالی که منطبق با این موازین باشد مهر صحت و بر آنچه مغایر باشد مهر بطلان می‌خورد.

۲. احیای حق و عدالت‌خواهی و قیام علیه باطل و ظلم

براساس آموزه‌های قرآنی، یکی از اهداف بنیادین رسالت پیامبران الهی تحقق عدالت بوده است (حدید: ۲۵) همه ادیان الهی با هدف تحقق این اصل، از سوی خدای متعال به‌وسیله انبیای الهی نازل شدند. دین مبین اسلام هم به‌عنوان خاتم ادیان، تحقق عدالت را سرلوحه اهداف خود قرار داده است. بی‌دلیل نیست که آیات بسیاری زیاد درباره عدالت و واژه‌های مترادف و متضاد آن وجود دارد. همه این مطالب دال بر اهمیت وافر اصل عدالت است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶). به‌دلیل همین اهمیت است که هدف و نتیجه هرگونه نظارتی در نظام اسلامی باید احیای حق و عدالت‌خواهی و قیام علیه باطل و ظلم‌ستیزی باشد.

در فریضه امر به معروف و نهی از منکر توجه کامل به احیای حق و عدالت‌خواهی و قیام علیه باطل و ظلم‌ستیزی نیز مورد تأکید ویژه قرار گرفته است، همان‌گونه که مطابق روایات امر به معروف و نهی از منکر و فتاوی فقها، آخرین مرحله از مراتب امر به معروف و نهی از منکر «اقدام عملی» است (امام خمینی، بی‌تا، مسئله یک) و با ابتنا به قیام حسینی، قیام علیه حاکم جائز تجویز و امر شده است و بر همین مبنا سیدالشهدا(ع) قبل از شهادتش، به یاران خویش فرمود:

ای مردم، همانا پیامبر خدا فرمود: هر کس ببیند سلطان ستمگری حرام‌های خدا را حلال می‌شمرد، عهد و پیمان خدا را می‌شکند، مخالف سنت رسول خدا رفتار می‌کند، و بر بندگان خدا با گناه و ستمگری حکومت می‌راند، پس با کردار و گفتار علیه وی شورش نکند، بر خداوند رواست که او را به جایگاه همان سلطان جائز بکشد (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴/۴۸).

حسن بصری می‌گوید: پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

بهترین شهیدان امت من کسی است که در مقابل حکم ستمگری به پا خیزد و او را امر به معروف و نهی از منکر کند و در این راه کشته شود. چنین شهیدی در بهشت، مرتبه و مقامی مابین مقام حمزه و جعفر خواهد داشت (ملک افضلی، ۱۳۸۶: ۷۲).

سراسر تاریخ اسلام مملو از سرگذشت مصلحان و مبارزانی است که با ستمگران و حاکمان ظالم به مبارزه برخاستند و باید گفت همین سخن گهربار پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - بود که زمینه‌ساز قیام خونین امام حسین (ع) شد و امام را وادار کرد که به فرموده خویش^۱ (آل بحرالعلوم، ۱۳۸۴: ۱۵۶) برای اصلاح امت جدش نهضت عدالت‌خواهانه خویش را با شعار امر به معروف و نهی از منکر برپا سازد.

علامه شهید مطهری نیز انگیزه اصلی قیام حسینی (ع) را امر به معروف و نهی از منکر و ضدیت با منکرات و مفساد حکومت وقت دانسته (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷/۲۴۸) و معتقد است که امر به معروف و نهی از منکر عامل منطقی شهادت طلبی امام حسین (ع) بوده است (همان: ۱۴۹). البته تشیع و اهل سنت در این مورد اختلاف مبنایی دارند، زیرا بسیاری از فقهای اهل سنت، برخلاف فقهات شیعی، به طور مطلق اطاعت از حاکم را، گرچه فاجر و ستمگر باشد، واجب می‌دانند و خروج علیه حاکمان را جایز نمی‌شمرند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۷۵-۵۱۱).

۳. تحقق معروف و جلوگیری از منکرات

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین فرایض شرعی است که عقل نیز بر وجوب آن حکم می‌کند و کتاب و سنت همواره مردم را به اجرای آن فراخوانده‌اند و بقای دین و تداوم رسالت الهی و حفظ نظام و کیان مسلمانان بر آن مبتنی است. به همین دلیل، میان این فریضه بسیار مهم و موضوع نظارت ارتباط و تعامل و هم پیوندی تام برقرار است و اساساً وجهت شرعی موضوع نظارت با وجوب امر به معروف و نهی از منکر حاصل می‌شود. به همین دلیل، هم موضوع نظارت و هم فریضه مزبور، جزء اهداف و سازوکارهای تحقق

یکدیگر و لازم و ملزوم همدیگرند، هرچند امر به معروف و نهی از منکر از امر نظارت مهم‌تر و دایره شمول آن وسیع‌تر است و رابطه عام و خاص میان آن‌ها حاکم است و به همین علت، آیات متعدد و صدها روایت در اهمیت این فریضه وارد شده است. برای نمونه، قرآن از زبان لقمان نبی می‌فرماید:

پسر، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر رنج و مصیبتی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبا باش که این از کارهای مهم و اساسی است (لقمان: ۱۷).

این آیه بازگوکننده اندرزهای لقمان به پسرش است و از آن استفاده می‌شود که اسلام مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر تشویق و ترغیب می‌کند همچنین در سوره «عصر» خداوند می‌فرماید:

سوگند به عصر که انسان در ضرر و زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و راستی توصیه کردند و همدیگر را به صبر و استقامت سفارش نمودند (عصر: ۱).

علامه طبرسی در مجمع‌البیان در تفسیر این سوره آورده است: «وجوب توصیه همدیگر به حق اشاره به امر به معروف و نهی از منکر است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۵۳۶). ضمن این که بسیاری از مفسرین به این نکته اشاره کرده‌اند که جمله «تواصوا بالحق» معنای بسیار وسیعی دارد که هم امر به معروف و نهی از منکر و هم تعلیم و ارشاد جاهل و تنبیه غافل و تشویق و تبلیغ ایمان و عمل صالح را شامل می‌شود (دلآوری، ۱۳۸۱: ۱۰۷-۱۰۸).

افزون بر این، اهمیت این دو فریضه مهم به قدری است که خداوند در سوره «مائده» از تارکان نهی از منکر اعلام بیزاری می‌کند و از زبان پیامبرانی مانند حضرت عیسی و داود آن‌ها را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد (مائده ۷۸-۷۹).

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که هرگونه نظارتی در آموزه‌ها و نظام اسلامی باید در قالب چارچوب‌ها، اهداف و مقاصد فریضه امر به معروف و نهی از منکر و دستورالعمل‌های آن باشد.

۴. اصلاحگری و فسادستیزی

در نظام اسلامی، یکی از اهداف و کارکردهای اساسی نظارت تحقق اصلاح و طرد و امحای فساد است، زیرا یکی از کارویژه‌های اصلی حکومت اسلامی اصلاح دنیا و آخرت توده‌های مردم و تربیت ربانی آن‌هاست و مردم نیز در قبال این سیاست اصلاحی باید طالب

اصلاح باشند و به تعبیر دقیق‌تر وظیفه آن‌ها «استصلاحی» است. لذا در آثار بسیاری از اندیشمندان اسلامی، همانند غزالی، علم سیاست اصلاح آدمیان را برعهده دارد و سیاست، در حقیقت، استصلاح یا نیکوکردن مردم و ارشاد ایشان به راه راست است، به گونه‌ای که در دنیا و آخرت نجات‌بخش باشد (غزالی، ۱۳۸۴: ۴۴؛ قادری، ۱۳۷۹: ۹۰-۹۲). البته چنین تعبیرهایی و ذکر کارویژه اصلاحی برای حکومت به روشنی و مؤکداً در بیانات امام‌علی(ع) آمده است و در ذیل مباحث مستقلی از نهج‌البلاغه، همانند خطبه ۱۳۱، که مختص ترسیم اهداف و آرمان‌های عالیه و کلی تشکیل حکومت و دولت است قید شده. (نهج‌البلاغه، ۱۳۵۱: ۴۰۶-۴۰۷)؛ همچنان‌که ایشان در عهدنامه مالک اشتر و در تبیین اصول و ضوابط و اهداف عالیه حکومت، یکی از وظایف مالک در استانداری مصر را، اصلاح اهل این منطقه ذکر کرده‌اند^۱ (همان: ۹۹۱).

آیات الهی نیز به‌وفور بر ضرورت اصلاحگری و مقابله با فساد به‌ویژه از سوی صاحبان خرد تأکید کرده است (هود: ۱۱۶). قرآن کریم در مجموعه تعبیرات خود، پیامبران را در زمره مصلحان می‌خواند، چنان‌که از زبان شعیب پیغمبر می‌فرماید: «جز اصلاح تا آخرین حد توانایی منظوری ندارم» (هود: ۸۸). از سوی دیگر، آیات الهی ادعای اصلاح‌طلبی منافقین را به‌شدت تخطئه می‌کند (بقره: ۱۱-۱۲).

استاد شهید مطهری روحیه اصلاح‌طلبی را جزء شأن پیامبران و از خصایص اصلی مسلمانی محسوب کرده و معتقد است در زمینه اصلاح اجتماعی در تاریخ نظام‌های اسلامی کمتر کار شده است، زیرا از منظر ایشان جوامع مسلمان، به‌عنوان یک نقیصه، به جای این که از مصلحان اجتماعی برخوردار باشند دارای افراد صالح بوده‌اند (مطهری، ۱۳۸۵: ۹؛ مطهری، ۱۳۸۱: ۱۰/۲۵۲). این درحالی است که مصلحیت همانند عدالت‌خواهی خصیصه‌ای با ابعاد کاملاً اجتماعی است، در صورتی که صالح‌بودن افراد همانند عادل‌بودن آن‌ها بیشتر یک ویژگی فردی است. از مضمون دیدگاه‌های شهید مطهری می‌توان استنتاج کرد که وی امام‌علی(ع) را صالحی مصلح و عادل‌خواه دانسته و همین عدالت‌خواهی را عامل شهادت ایشان به‌شمار آورده است (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۱-۱۲). بیان ایشان درباره اصلاح‌طلبی چنین است: «در سیره نظری و عملی امام‌خمینی(ره) نیز اصلاح‌خواهی و فسادستیزی به‌عنوان یک تکلیف شرعی فردی و اجتماعی و از مصادیق مهم امر به معروف و نهی از منکر ملحوظ گشته است» (امام‌خمینی، ۱۳۸۶: ۱۰/۱۱۲، ۲۶۷).

با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در کشور ایران نیز همواره شعار اصلاح و مبارزه با مفسد و مظاهر گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن مطرح بوده است و از جمله مهم‌ترین اسناد چنین رویه‌ای فرمان هشت‌ماده‌ای مهمی درباره مبارزه با مفسد اقتصادی فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر تشکیل ستاد مبارزه با مفسد اقتصادی در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ بود که به رؤسای قوای سه‌گانه فرمانی درخصوص مبارزه همه‌جانبه و سازمان‌یافته با مفسد مالی و اقتصادی و خشکانیدن ریشه آن‌ها صادر شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

۵. اهتمام به امور مسلمین، حفظ مصالح عمومی

از اصول نظارتی در نظام سیاسی و اداری اسلام نظارت همگانی است که مستقیم به واسطه مردم اعمال می‌شود و عامل بازدارنده نیرومندی در برابر لغزش مسئولان محسوب می‌شود. تمام آحاد مردم این نظارت را برعهده دارند، چراکه پیامبر مکرم اسلام (ص) می‌فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ: هر کس صبح کند (روزانه) و به امور مربوط به مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست. (فَلَيْسَ مِنْهُمْ) (الکلبینی، ۱۳۶۳: ۲/۱۶۳ - ۱۶۴)؛

از اضافه‌شدن کلمه «امور» به «المسلمین» استفاده می‌شود که همه شئون و امور فردی و اجتماعی مسلمانان مورد نظر است. از این حدیث چنین مستفاد می‌شود که هر مسلمانی باید به همه مسائل مربوط به جامعه اسلامی و مسلمانان و آنچه پیرامون وی می‌گذرد بی‌اعتنا نباشد و به آن‌ها اهتمام بورزد (ملک‌افضلی، ۱۳۸۶: ۶۹ - ۷۰).

بی‌تردید، نمی‌توان امور مسلمانان را صرفاً به معنای امور خصوصی و فردی مسلمانان دانست و مفهوم این حدیث شریف را در گستره همین امور تفسیر کرد، بلکه امور مسلمانان دامنه وسیعی دارد و همچنان‌که گفته شد، شامل همه شئون فردی و اجتماعی می‌شود. از جمله مهم‌ترین این امور مسائل سیاسی و حکومتی کشور اسلامی است که در رأس آن فرمانروایان و عاملان حکومتی قرار دارند. در عمل به این حدیث اهتمام به این امور اقتضا دارد که همواره مسلمانان بر این افراد نظارت داشته باشند تا از انحرافات احتمالی آن‌ها پیشگیری یا انحرافات تحقق‌یافته را اصلاح کنند. بدیهی است چنین اهتمام عالی و مداومی به امور مسلمین حفظ مصالح عمومی را در پی داشته باشد و چه بسا کم‌ترین نتیجه اهتمام یادشده به امور و حقوق عمومی مردم حفظ مصالح جمعی آن‌ها باشد و برای چنین امری دستاوردهای بسیار بزرگ‌تری برای عامه مردم و شهروندان نظام اسلامی می‌توان تصور و تصدیق کرد.

۶. همدردی، همبستگی و تعاون و مودت اجتماعی

یکی دیگر از اهداف و نتایج نظارت و عمل به تکلیف امر به معروف و نهی از منکر همدردی، همبستگی و تعاون و مودت اجتماعی با مؤمنین و اعضای جامعه اسلامی است. اشاره به این مطلب در منابع اصیل اسلامی و آثار اندیشمندان مسلمان به وفور آمده است. در آموزه‌ای قرآنی بی‌حسی اجتماعی و بی‌توجهی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به شدت نهی شده و به نتایج و سرنوشت افراد بی‌اعتنا اشاره شده است. از جمله خداوند در سوره اعراف (آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶) داستان «اصحاب سبت» را نقل می‌کند که قوانین شرعی را رعایت نکردند و آیات مزبور حاکی از سرنوشت شوم کسانی است که قبل از اسلام امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند و به عاقبت بد بی‌توجهی به این فریضه مهم و ترک نهی از منکر و نپذیرفتن آن دچار شدند.

استاد شهید مطهری در زمره اندیشمندانی است که به گستردگی در این باره سخن رانده. ایشان در مباحث خود به آموزه‌های قرآنی امر به معروف و نهی از منکر توجه می‌کند و در تفسیر آیه ۷۱ سوره توبه^۳ اذعان می‌دارد: «لازمه ایمان حقیقی و واقعی نه ایمان تقلیدی و تلقینی، رابطه و داد و علاقه به سرنوشت یکدیگر است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۷۶). به دیگر سخن، وی نظارت بر امر به معروف و نهی از منکر را مسئولیتی اجتماعی تلقی می‌کند که لازمه و در شمار ایمان حقیقی است. از این منظر، محبت و علاقه لوازمی در پی دارد که احساس مسئولیت به جامعه و انسان‌های دیگر و نظارت و امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند از مهم‌ترین آن‌ها باشد (لک زایی، ۱۳۸۳: ۲۴۱).

از منظر مطهری، نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه زندگی انسانی انسان‌ها را آن‌چنان به یکدیگر پیوند می‌زند و زندگی را آن‌چنان وحدت می‌بخشد که افراد را در حکم مسافرانی قرار می‌دهد که در یک اتومبیل، هواپیما یا کشتی سوارند و به سوی مقصدی در حرکت‌اند و همه با هم دچار خطر می‌شوند و سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۸). او معتقد است که در زندگی اجتماعی همبستگی و وحدت حکم فرماست، کارهای خوب نیکوکاران در سعادت دیگران مؤثر است و کارهای بد بدکاران نیز در جامعه اثر می‌گذارد و به همین علت مسئولیت‌های مشترک وجود دارد. از منظر مطهری، در دنیا خشک و تر با هم می‌سوزند و یا با هم از سوختن مصون می‌مانند. در جامعه که گروهی زندگی مشترک دارند و در آن هم بدکار هست و هم نیکوکار، گاهی بدکاران از ثمره کار نیکوکاران منتفع می‌شوند و گاهی مردم بی‌گناه از صدمه گناهکاران آسیب می‌بینند (مطهری، ۱۳۷۰: ۱ / ۲۲۱).

شهید مطهری، با تعریفی که از دین می‌کند و آن را پدیده‌ای اجتماعی و نه فردی می‌داند امر به معروف و نهی از منکر را به معنای همدردی، هم‌بستگی، همکاری، همگامی، و تعرف (شناسایی) می‌داند و معتقد است که این فریضه با برخورداری از آگاهی، قدرت، سازماندهی و تشکّل باید در ابعاد اجتماعی اجرا شود. وی ضمن انتقاد از گرایش جوامع اسلامی به انفراد و تفرقه و جدال، از ضعف هم‌بستگی و همدردی ناشی از عواملی مانند اجرا نشدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر شکوه می‌کند (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۵۱) و معتقد است که لازمه ایمان حقیقی و واقعی، نه ایمان تقلیدی و تلقینی، رابطه «وداد» و علاقه به سرنوشت یکدیگر است و لازمه این محبت و علاقه، امر به معروف و نهی از منکر (مطهری، ۱۳۸۶: ۸۲).

شایان ذکر است که با بررسی آموزه‌های قرآنی می‌توان یکی از اهداف و نتایج نظارت همگانی را برقراری وحدت اجتماعی در میان مردم دانست. شاهد این مدعا آن است که قرآن مجید در آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره آل عمران در آغاز انسان را به وحدت اجتماعی در پرتو اعتصام به حبل الله دعوت و به دنبال آن وظیفه نظارت همگانی را مطرح می‌کند. از این دستور الهی چنین استفاده می‌شود که اگر در جامعه امر به معروف و نهی از منکر نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای وحدت اجتماعی اند همچون موربانه از درون ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را متلاشی می‌کنند بنابراین، حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶-۹).

۷. تحقق کارویژه‌های حکومت و افزایش کارآمدی آن

در هر نظام و سازمان مدیریتی، نظارت نقش مهمی در تحقق کارویژه‌ها و اهداف سازمانی ایفا می‌کند و بدیهی است در مورد هر نظام سیاسی و دولتی می‌توان چنین نقش با اهمیتی را برای امر نظارت قائل شد. تحقق کارویژه‌های حکومت و افزایش کارآمدی آن از پیامدهای مثبت نظارتی مؤثر بر بدنه سازمان دولت است.

در علم مدیریت، «کارآمدی» (effectiveness) در گرو کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی است که در راه رسیدن به اهداف نقش دارند. اما «کارایی» (efficiency) در به‌کارگیری و تخصیص منابع تولید برای استفاده از منابع تولید و صرف حداقل هزینه و کمترین ضایعات برای هر میزان تولید است. این دو واژه در علم سیاست معمولاً درست یا نادرست مترادف فرض می‌شود و غالباً بیانگر توانایی اداره کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن، ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب

حداکثر رضایتمندی مردم است. بسیار واضح است که این ایفای بهینه و کسب حداکثر رضایتمندی بدون اتصاف حکومت به صفت پاسخگویی و مسئولیت‌شناسی و شناختن حق پرسشگری و نظارت برای مردم حاصل نخواهد شد و بدین‌سان، این استنباط روشن خواهد بود که کارآمدی، پاسخگویی و نظارت لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۱). بنابراین، بدیهی است نظام «مشروعی» که قائل به پرسشگری مردم و ضرورت پاسخگویی به آنها است باید از حداکثر «کارآمدی» سود ببرد تا بتواند به مطالبات ضروری مردم پاسخ گوید. بنابراین، «مشروعیت» محصول تعامل پاسخگویی و کارآمدی است.

افزون بر این، کارآمدی مشروعیت‌زا و از نوع مشروعیت مکمل و ثانویه است و برای تحصیل دو نوع مشروعیت مهم اولیه و ثانویه، بی‌تردید و به شکل گریزناپذیری، نظام سیاسی باید نظارت‌پذیر و مسئولیت‌شناس و به مردم به‌صورت واقعی و مستمر پاسخگو باشد.

۸. مهار و کنترل قدرت سیاسی

امروزه مهم‌ترین وجه تمایز نظام‌های مردم‌سالار از غیر آن وجه نظارت‌پذیری و پاسخگو بودن و قبول مسئولیت در قبال مردم است. در مقابل، حکومت‌های غیردموکراتیک، اعم از سستی و مدرن و انواع مختلف آن مانند رژیم‌های «تمامیت‌گرا و جامع‌القوا» (totaliter)، استبدادی (despotism)، با نادیده‌گرفتن مردم و حقوق آنها اهمیتی به پاسخگویی و نظارت‌پذیری نمی‌دهند، تمایلی به مهار و کنترل قدرت سیاسی ندارد و با قدرت مطلق‌طلبی خواسته‌ها، مصالح و باورهای فردی و گروهی خود را بر مصالح مردم و عموم ترجیح می‌دهند و نه تنها خود را خادم مردم نمی‌دانند، بلکه مردم را با انواع شگردها و ترفندها در راه منافع خود به خدمت می‌گیرند و قبول از مسئولیت در قبال کنش‌های حکومت در آنها خبری نیست. به عکس، در نظام‌های مردم‌سالار به دلیل توجه به نظارت‌پذیری و پاسخگویی به مطالبات، خواسته‌ها و نیازهای مردم و مصالح عمومی، قدرت بلامنازع دولت مقید و مشروط و رضایتمندی مردم جلب می‌شود. چنین نظامی به دلیل همین پاسخگویی به عامه و مسئولیت‌شناسی، واجد مشروعیت است.

اسلام قدرت و حاکمیت زمام‌داران نظام اسلامی را امانتی در دست صاحب قدرت می‌داند. در تفسیر علی بن ابراهیم که از مشهورترین تفاسیر شیعی است، آمده است:

امانت همان امامت و امر ونهی کردن است و دلیل بر این مطلب کلام خدای تعالی است که به ائمه - علیهم السلام - می فرماید: خداوند به شما امر می کند که امانت ها را به اهلش بسپارید، یعنی امامت را (عروسی حویزی، بی تا: ۳۰۹).

امام علی (ع) نیز در نامه ای به یکی از فرمانداران خود می نویسد: «فأئی كنت اشركتك فی أمانتی؛ من تو را در امانتم (یعنی حکومت و زمامداری خود) شریک قرار دادم» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: ۳۹۶).

از آن جا که قدرت زمینه را برای فساد و تباهی فراهم می آورد و به تعبیر مشهور، «قدرت موجب فساد می شود و قدرت مطلق موجب فساد مطلق»، در اسلام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر افراد مسلمان واجب و در آیات و روایات بر لزوم آن بسیار ترغیب و تحریض شده است. قلمرو این واجب الهی منحصر به گناهان فردی و شخصی افراد نیست و عموم و اطلاق آن همه گونه مفسده و خیر اجتماعی و فردی را شامل می شود. از این رو، ادای این فریضه به ویژه در مسائل اجتماعی و سیاسی منجر به سالم سازی اجتماع در ابعاد مختلف می شود.

در آیات فوق مشاهده می شود که امر به معروف و نهی از منکر اهرمی بسیار قدرتمند و زمینه ساز رشد فضایل و طرد مفاسد و نیز یکی از ابزارهای کنترل و مهار قدرت سیاسی در جامعه است. در نظام اسلامی، مسئولیت افراد از مسئولیت دولت جدا نیست و به حکم عقل، این حق و تکلیف برای همه افراد ایجاد می شود که بر کار زمامداران خود نظارت کنند تا از انحراف آنان از مسیر حق و عدالت و تقوا جلوگیری کنند. هرچند در نظام اسلامی عدالت و تقوا شرط رهبری و التزام عملی به موازین اسلامی لازمه زمامداری است، تذکرات مردمی و نظارت عمومی می تواند از بروز مشکلات ناشی از اشتباهات جلوگیری و نقش مکمل را ایفا کند (دلآوری، ۱۳۸۱: ۱۰۸ - ۱۰۹).

در سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) نیز بحث کنترل و مهار قدرت سیاسی و نظارت بر آن به شدت تأکید شده است و حتی ایشان مقام ولایت فقیه را از چنین کنترل و نظارتی مستثنی نکرده اند و فرموده اند:

همه ما مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان، مسئول کارهای دیگران هم هستیم، مسئولیت من هم گردن شماست، مسئولیت شما هم گردن من است، اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگوید چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۴۷/۸).

بیانات امام راحل (ره) در پاسخ به روزنامه لوتاکوتینو/ درباره ویژگی های حکومت اسلامی که در روزهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی انجام گرفته است، یکی از بهترین مستندات سیره ایشان در تأیید ضرورت مهار و کنترل قدرت سیاسی و نظارت بر آن است، همچنان که در بخشی از بیاناتشان می فرمایند:

هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبه خود، از مقام زمامداری معزول است...» (همان: ۵/ ۴۰۷).

۹. افزایش مشارکت سیاسی شهروندان

نظام سیاسی اسلامی از صنف مردم سالاری دینی است و به نظارت و مسامحت مردم در حکومت و تصمیم گیری های خرد و کلان سیاسی اهمیت وافری می دهد. بدیهی است هر قدر به نقش نظارت و حضور سیاسی مردم بها داده شود میزان مشارکت سیاسی آنها افزایش می یابد و عیار تعمیق مردم سالاری دینی بالاتر خواهد رفت. پس می توان یکی از اهداف و کارکردهای نظارت را در نظام سیاسی اسلامی افزایش و ارتقای مشارکت سیاسی به شمار آورد. در توضیح بیشتر باید افزود مشارکت سیاسی فرآیندی است که طی آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه های جامعه توزیع می شود، به گونه ای که تمامی شهروندان و گروه های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم گیری، سیاست گذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهار نظر، انتخاب کردن و رأی دادن بهره مند باشند (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

ضرورت مشارکت سیاسی و نظارت مردم در فرایند اعمال قدرت دولت و نهادها و کارگزاران آن به دلیل تأکید آموزه های دینی بر مسئولیت پذیری انسان مسلمان در جامعه است. انسان مسلمان نه تنها در مقابل خود و خدای خود و خانواده خود مسئول شمرده می شود، بلکه در برابر جامعه خود و حاکمان و کارگزاران نیز مسئولیت دارد و موظف است در سازوکار انتخاب کارگزاران نظام سیاسی فعالانه مشارکت داشته باشد و در قبال سرنوشت همه انسان ها، بدون توجه به جنس و نژاد و دین آنان، خود را مسئول بشمارد و بدین تکلیف بی اعتنا نباشد.

شایان ذکر است که از منظر امام خمینی (ره) نیز، آرای عمومی بسیار با اهمیت و گران بها شمرده شده و اساساً ایشان یکی از مهم ترین ضوابط نظام سیاسی را اتکای به آرای عمومی

به‌شمار آورده است، به‌گونه‌ای که تمامی ملت در انتخاب فرد و یا افرادی که می‌خواهند مسئولیت و زمام امور را برعهده بگیرند باید مشارکت کنند (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۴/۲۱۲). در نظام جمهوری اسلامی ایران هم مشارکت سیاسی به معنای حق دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود با توجه به آموزه‌های سیاسی - دینی است. بر همین اساس، دخالت مردم در امر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظارت بر آن‌ها با توجه به اصل اول قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است.

۱۰. انتقادگری و انتقادپذیری

انتقاد و نقد صحیح از ابزارهای ضروری فرایند نظارت و از پیامدها و اهداف آن است و می‌توان انتقادگری و انتقادپذیری را از سازوکارهای آن و فریضه امر به معروف و نهی از منکر به‌شمار آورد، ضمن آنکه در روایات، از ضرورت «نقادی» سخن‌ها با تأکید یاد شده است. برای نمونه، علامه مجلسی حدیثی از محاسن برقی از حضرت عیسی (ع) نقل می‌کند که فرمود: «کونوا نقاد الکلام فکم من ضلاله زخرفت بایه من کتاب الله: هرچه را می‌شنوید آن را از دریچه نقد عیارسنجی کنید، چه آنکه بسیاری از سخنان یاوه را ممکن است به آیه‌ای از کلام خدا آذین‌بندی کنند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۹۶).

افزون بر این، نقدپذیری و پرهیز از استبداد رأی از توصیه‌های مؤکد دینی است. از نظر اسلام، استبداد رأی باعث به‌خطرافتادن و لغزش انسان می‌شود. علی (ع) می‌فرماید: «خاطر بنفسه من استغنی برآیه؛ آن‌کس که به رأی خود قناعت کند خویشتن را به خطر افکنده است» (قمی، ۱۴۰۴: ۴۹۳). امام صادق (ع) نیز فرموده است: «کسی که به رأی خود استبداد بورزد بر لغزشگاه‌های خطا و گناه ایستاده است» (همان).

انتقاد سازنده از حقوقی است که نظام سیاسی اسلام برای مردم به رسمیت می‌شناسد و آن را زمینه‌ای برای دستیابی به سایر حقوق تلقی می‌کند. احیای این حق می‌تواند از خطرناک‌ترین آفت حکومت‌ها، که استبداد و استکبار است، جلوگیری کند. در سیره حکومتی و مدیریتی نبوی و علوی، این حق به رسمیت شناخته شده و حکایت‌هایی در این زمینه نقل شده است که نمونه‌ای از آن‌ها ذکر می‌شود.

پیامبر خدا (ص) روزی مشغول تقسیم غنیمت‌های جنگی بود و سیاست دلجویی و تألیف قلوب اقتضا می‌کرد که به افراد بانفوذ تازه‌مسلمان که برای خود شخصیتی قائل بودند، توجه بیشتری شود. از این‌رو، به هنگام پرداختن سهم هریک از مسلمانان قدری به

طرف راست خود توجه کرد، گویی با کسی حرف می‌زد و بعد سهم فرد مورد نظر را تحویل داد که به اعتقاد حاضران، مخاطب آن حضرت جبرئیل بود. به نظر برخی مقدس‌نمایان، شیوه تقسیم غنیمت‌ها برخلاف عدالت بود! از این رو، یکی از آنان، «ذوالخویصره، از قبیله بنی تمیم، بدون سلام کردن به پیامبر(ص) در حضور اصحاب به شدت از بی‌عدالتی ایشان انتقاد کرد. حاضران که از این پیشامد سخت دلگیر و ناراحت شده بودند، اجازه کشتن او را خواستند. پیامبر رحمت (ص) فرمود:

نه، نمی‌خواهم مشرکان بشنوند که اصحاب خود را کشته‌ام. او تنها نیست، هوادارانی نیز دارد که ظاهری بسیار آراسته دارند، که اگر شماها نماز و روزه‌هایشان را ببینید، نماز و روزه خود را ناچیز و کوچک می‌شمارید. آنان چنان در دین فرورفته‌اند که همچون تیری هستند در کمان، که به‌زودی به‌طور کامل از دین خارج می‌شوند! آن‌ها کمترین پیوستگی با اسلام ندارند! شما متعرض آنان نشوید، خداوند آنان را پس از من به دست محبوب‌ترین خلق خواهد کشت و چنان که پیامبر خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - خبر داده بود، ذوالخویصره و همراهانش در جنگ نهروان به دست امام علی - علیه‌السلام - به هلاکت رسیدند (ری‌شهری، ۱۳۷۶: ۴۰۷-۴۰۹).

البته این‌گونه انتقادهای ناروا اختصاص به صدر اسلام و رسول گرامی (ص) نداشت و سایر رهبران الهی، به‌ویژه امام علی(ع) نیز با چنین برخوردهایی مواجه بوده‌اند. مهم این است که در سیره حکومتی و مدیریتی پیامبر اسلام(ص) و ائمه اطهار - علیهم‌السلام - پذیرفته شده است که چنین حقی برای مردم وجود دارد که بتوانند بی‌هیچ پیرایه و مانعی به پیشوای خود انتقاد کنند و آنچه در مخیله خود اشتباه می‌پندارند تذکر دهند (ملک‌افضلی، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۹).

۱۱. تحقق و ارتقای قانون‌مداری

ضرورت توجه به فرهنگ نظارت در اکثر جوامع یک اصل اساسی پذیرفته شده است و می‌توان آن را از مهم‌ترین ارکان مدیریت نوین در همه نظام‌ها دانست. ارزش‌های فرهنگی همواره بر ذهن و روح افراد جامعه حاکمیت دارد و می‌تواند با خواست و علایق درونی آن‌ها مطابقت داشته باشد و بدین‌سان آن‌ها را وادار به رعایت قوانین و مقررات کند. یکی از اهداف نظارت قانون‌مداری است. اقدام براساس قانون و برنامه در واقع یکی از راه‌های مؤثر و کم‌هزینه برای اجرای برنامه‌ها و رفع نیازمندی‌های جامعه است. هنگامی که دستگاه‌ها و مسئولان برای اجرای برنامه‌ها و رفع نیازمندی‌های جامعه در مسیر قانون حرکت می‌کنند،

علاوه بر این که به هدف مورد نظر در برنامه دست می‌یابند اقدام و تبلیغ عملی در نهادینه شدن قانون‌مداری و احترام به مقررات و برنامه نیز انجام می‌دهند و بر اثر تکرار، این رویه تبدیل به فرهنگ رایج در میان کارکنان دستگاه‌ها و جامعه می‌شود. یکی دیگر از فواید قانون‌مداری و حرکت بر معیار قانون نظارت‌پذیر بودن و پاسخگو بودن در برابر اقدامات است. معمولاً مدیران دستگاه‌هایی پاسخگو و نظارت‌پذیرند که عمل و اقدام آن‌ها طبق برنامه و قانون باشد. این قبیل مدیران نه تنها از نظارت و پاسخگویی رو بر نمی‌تابند، بلکه از پرسش، نظارت و بازرسی فعالیت‌هایشان استقبال می‌کنند.

۱۲. مسئولیت‌پذیر و پاسخگو کردن نظام سیاسی

یکی از اهداف و نتایج اعمال نظارت در عرصه سیاست و اجتماع مسئولیت‌پذیر و پاسخگو کردن نظام سیاسی است. در توضیح این مطلب باید گفت که در فرهنگ اسلامی، «حکومت» امانتی است که از سوی خدا و مردم به افرادی سپرده شده که مأمور حفظ و صیانت از این امانت‌اند و در این مورد از ایشان سؤال می‌شود. در این فرهنگ، تفویض اختیار و مسئولیت‌خواهی از سنت‌های الهی به‌شمار می‌آید؛ همچنان‌که بنا به فرمایش قرآن کریم خداوند متعال از پیامبران خود می‌پرسد که چگونه رسالت خود را انجام داده‌اند: «وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف: ۷).

از امیرمؤمنان، علی (ع) در این باره نقل شده که فرمود: فرستادگان [الهی] را نگاه می‌دارند و از آنان می‌پرسند که آیا رسالت خود را در قبال امت‌هایشان انجام داده‌اند (عروسی حویزی، بی تا، ج ۲: ۴). علاوه بر پاسخگویی حاکمان الهی در برابر خداوند، مسئولیت زمامداران در برابر مردم نیز قاعده‌ای اسلامی و شرعی است، چراکه پیامبر گرامی اسلام (ص) همه را در برابر یکدیگر و صاحبان قدرت را در مقابل مردم مسئول دانسته است^۴ (نوری، ۱۴۱۰: ۱۴/۲۴۹). از دیگر سو، اسلام مردم را نیز در مقابل حاکمان خویش وظیفه‌مند می‌داند. قرآن کریم تأکید می‌کند که از آن‌ها در مورد چگونگی رفتارشان با زمامداران سؤال خواهد شد (اعراف: ۷).

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در اسلام اصل پاسخگویی زمامداران و مردم در برابر یکدیگر و در برابر خداوند یکی از سنت‌های الهی و از اصول مدیریت اسلامی و لازمه تحقق این اصل وجود ابزاری است که زمینه اجرای آن را فراهم کند و کارآمدترین ابزاری که می‌توان در این زمینه از آن یاد کرد «نظارت» است (ملک‌افضلی، ۱۳۸۶: ۲۷).

شاید بتوان گفت پاسخگویی دو جنبه مهم فردی و اجتماعی دارد. از جنبه فردی، خداوند اختیارات و توانمندی‌هایی در اختیار انسان قرار داده و اهداف مشخصی برای او تعیین کرده است که در مقابل این توانمندی‌ها و اهداف باید پاسخگو باشد. از این پرسشگری الهی می‌توان نتیجه گرفت که از جنبه اجتماعی نیز وقتی مردم، اختیارات و توانمندی‌هایی در اختیار کارگزاران خود قرار دادند و قدرت خود را به آن‌ها تفویض کردند، این مسئولان ملزم به پاسخگویی‌اند.

قرآن کریم سرشار از آیاتی است که بر مسئولیت‌خواهی، پرسشگری و حسابرسی از انسان‌ها تأکید کرده است.^۵ در فرهنگ قرآنی، حتی این محاسبه و انتظام در سراسر گیتی جریان دارد (انعام: ۹۶).^۶ بدیهی است حیات بشری نیز به‌عنوان جزئی از خلقت الهی نمی‌تواند از این نظام محاسبه و پرسشگری و ضرورت پاسخگویی و ادای امانت و ایفای مسئولیت بی‌بهره باشد. جالب این جاست که خداوند متعال خود را هم مسئول معرفی کرده است؛ همچنان‌که خداوند در آیه شانزدهم سوره فرقان خود را در برابر تحقق وعده بهشتی که به مؤمنان داده، موظف و مسئول می‌داند (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۳۹ / ۱۵).

از این آیات به‌روشنی استنباط می‌شود که اساس خلقت الهی و آفرینش آسمان‌ها و زمین و جامعه بشری برحسابگری و حسابرسی و ضرورت پاسخگویی بنا شده است و انسان‌ها چه در حیطه مسئولیت فردی و چه اجتماعی و چه در مقام کارگزاران سیاسی و حکومتی موظف به قبول مسئولیت کنش‌ها و رفتار خویش‌اند و باید در قبال قبول مسئولیت به خدا و خلق او پاسخگو باشند.

در نهج‌البلاغه نیز پرسشگری و پاسخگویی دارای جایگاه عالی و پسندیده‌ای است. امام علی(ع) پرسش را کلید دانش می‌شمرد و در خطبه ۹۳ از مردم می‌خواهند پیش از آن که ایشان را از دست دهند تمامی پرسش‌هایشان را با وی در میان گذارند تا به آگاهی کامل برسند. امام در همین خطبه خود را محور جریان سالم پرسشگری و پاسخگویی دانسته است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: ۱۳۰). آن حضرت تعهد و مسئولیت را مرز انسانیت به‌شمار می‌آورد و در خطبه ۱۷۵ غافلان بی‌مسئولیت را با عنوان «از خود بیگانگان و ره‌اشدگان» خطاب قرار می‌دهد و به آن‌ها اعلام می‌دارد که از تمامی کارهایشان بازخواست کنند^۷ (همان: ۲۴۳) و بر جدی‌گرفتن مسئولیت و ادای فرایض الهی و اولویت‌بخشی به آن‌ها پای بفشارند و در خطبه ۱۱۳ از مردم می‌خواهد آنچه خدا بر آن‌ها واجب کرده بدهکاری خود تلقی کنند و از خداوند بخواهند که حقتش را آن‌چنانکه خواسته بردازند (همان: ۱۶۰).

حضرت در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «بکشید از عهده مسئولیتی که خدا بر عهده شما گذاشته به درستی برآید و انجام وظیفه کنید» (همان: ۲۴۶).

امام علی (ع) در نامه پنجم *نهج البلاغه* به والی خویش در آذربایجان، حکومت را به سان امانتی برای وی تعریف می‌کند که باید در قبال قبول این امانت و مسئولیت پاسخگو باشد. جالب این جاست که در فرهنگ سیاسی علوی و بنا به خطبه ۱۶۷ این مسئولیت و پاسخگویی تنها در قبال خدای متعال، رهبر جامعه اسلامی و مردم نیست، بلکه شامل سرزمین، شهرها، خانه‌ها و حتی حیوانات آن نیز می‌شود (*نهج البلاغه*، ۱۳۸۱: ۲۳۶).

بر اساس خطبه ۲۱۶ پرسشگری مردم و پاسخگویی حکومت و زمامداران، رمز سامان‌یابی و اصلاح دستگاه حاکمه است (همان: ۳۲۲). امام (ع) همواره به والیان خویش، همچون قثم بن عباس، فرماندار مکه، در نامه ۳۳، مسئولیت خطیر حکومت و ضرورت استواری آن‌ها را در ایفای وظایفشان یادآور می‌شد و از آن‌ها می‌خواست به گونه‌ای عمل کنند که در هنگام پاسخگویی به مردم مجبور به عذرخواهی نشوند (همان: ۳۹۲). حضرت خود را در مسئولیت‌شناسی و تعهد و پاسخگویی پیشگام می‌داند و این‌گونه صفات را پیشاپیش بر خود فرض می‌شمارد (همان: ۲۴۴).

نامه ۴۵ *نهج البلاغه* یکی از سخنان بلندی است که بیانگر اوج مسئولیت‌شناسی و تأکید امام (ع) بر ضرورت پاسخگویی خویش به مردم است و ایشان خود را در تلخی‌های روزگار و در سختی‌های زندگی همراه و شریک مردم و در قبال حاکمیت بر مردم خویش را پاسخگو می‌داند^۸ (همان: ۴۰۲).

امام خود را مسئول و پاسخگوی اقدامات لشکریانش می‌داند و این پاسخگویی را برای مثال در نامه ۶۰ به فرماندارانی که لشکر از شهرهای آنان می‌گذرد اعلام می‌کند. حضرت با سفارش سپاهیان به آزار و اذیت و شرارت‌نکردن به مردم و چشم انداختن به اموال مردمی که در مسیر حرکت لشکریان قرار دارند از این آزارها بیزاری می‌جوید و در مقام پاسخگویی، خود را آماده رسیدگی به شکایات مردم از این رفتارها و کردارها می‌داند.^۹ (همان: ۴۳۳ - ۴۳۴).

اساساً امام علی (ع) در بازخواست و پاسخ‌طلبی از اقدامات کارگزاران و فرمانداران خویش اهل مجامله و تعارف نبود. نامه عتاب‌آلود حضرت به یکی از یاران نزدیکش، کمیل بن زیاد نخعی^{۱۰}، در سال ۳۸ هجری، گواه روشن این مدعا است. کمیل، که فرماندار شهر «هیت» بود، در این نامه^{۱۱} به دلیل ترک مقابله با دشمنان مهاجم شام به شدت از سوی حضرت نکوهش شده است (همان: ۴۳۵).

امام در نامه‌ای^{۱۲} خطاب به فرماندار دیگر خود، منذر بن جارود عبدی، که خیانتی انجام داده و هواپرستی پیشه کرده بود، او را به دلیل بی‌لیاقتی احضار و به‌شدت توبیخ و برخورد می‌کند (همان: ۴۴۵). امام یکی از نشانه‌های جامعه ناسالم و آفت‌زده و بیمار را در این می‌داند که پرسشگران انگیز، آزار داشته و پاسخگویان به تکلف دچار باشند^{۱۳} (همان: ۵۱۲، ۵۱۴). در فرهنگ سیاسی نهج‌البلاغه، پرسش هرچند به حق باشد، باید در وقت مقتضی و در جای خود عرضه شود؛ همان‌گونه که در خطبه^{۱۶۲} در پاسخ فردی که از علل و عوامل غضب امامت سؤال کرد امام فرمود: «ای برادر بنی‌اسدی! تو مردی پریشان و مضطربی که نابجا پرسش می‌کنی» (همان: ۲۲۴). امام پاسخگویی دقیق و هوشیارانه و مقارن با مصلحت را توصیه می‌کند و می‌فرماید:

آنچه نمی‌دانی مگو، بلکه همه آنچه را که می‌دانی نیز مگو، زیرا خداوند بزرگ بر اعضای بدنت چیزهایی را واجب کرده که از آن‌ها در روز قیامت بر تو حجت می‌آورد^{۱۴} (همان: ۵۲۵).

از منظر حضرت، پاسخگویی باید در نهایت شهامت و صداقت صورت گیرد و پاسخگویان نباید در صورت فقدان اطلاعات لازم از پاسخ منفی شرم کنند و باید حقیق را منعکس نمایند؛ «و اگر از یکی سؤال کردند و نمی‌دانند، شرم نکنند و بگویند نمی‌دانم» (همان: ۴۶۴)، زیرا «کسی که از گفتن «نمی‌دانم» روی‌گردان است به هلاکت و نابودی می‌رسد»^{۱۵} (همان: ۴۶۴). از نظر حضرت، در پاسخگویی ظرافت‌هایی باید رعایت شود و از ارائه پاسخ‌های انبوه و همانند پرهیز شود، زیرا «هرگاه پاسخ‌ها همانند و زیاد شد، پاسخ درست پنهان گردد»^{۱۶} (همان: ۴۹۲). همچنین، نکته ظریف دیگر آن است که همواره ایشان پاسخگویی را در حضور جمع بر پاسخگویی در محیط‌های محدود و فردی ترجیح می‌داد. گواه این مدعا آن است که شخصی از امام خواست تا ایمان را توصیف کند. ایشان فرمود: «فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم، که اگر تو گفتارم را فراموش کنی، دیگری آن را در خاطرش سپارد، زیرا گفتار چونان شکار رمنده است؛ یکی آن را به دست آورد و دیگری آن را از دست بدهد»^{۱۸} (همان: ۵۰۳). بدین‌سان مشخص است که کارگزاران نظام اسلامی نیز در پاسخگویی خود و ارائه گزارش به مردم باید از حداکثر ابزارهای رسانه‌ای برای انتقال کارنامه خویش به عموم مردم سودجویند و بدین‌وسيله مشکلات و حتی خدمات خود را به مردم منعکس کنند.

با این توضیحات و با توجه به اهمیت پرسشگری و پاسخگویی در آیات و روایات و در اندیشه‌های سیاسی اسلامی، مبرهن است که نظام اسلامی باید در تمهید و تسهیل شرایط

پرسشگری عمومی و پاسخگویی مسئولان و کارگزاران نهایت تلاش را مبذول کند همچنین، پاسخگویی باید متضمن موارد زیر باشد:

۱. اطلاع‌رسانی، روشنگری و تنویر افکار عمومی
۲. برقراری ارتباط دوسویه و متقابل حاکمیت و مردم
۳. ارتقای فرهنگ مشارکت‌پذیری همگانی
۴. گسترش فرهنگ نقد و پرسشگری
۵. تعمیم نظارت عمومی

البته این نوع پاسخگویی دارای ویژگی‌های خاص خود است، از جمله نیازمند سازماندهی و محتاج پرسشگری واقعی، مطلوب و سامانمند است و باید فارغ از تبلیغات کاذب، کلی‌گویی و برخورد شعاری و کلیشه‌ای باشد. این مهم نیاز به فضای باز سیاسی، قوت جامعه مدنی و رسانه‌ها دارد و باید برای تحقق آن به قوت فضای نقد، انتقادپذیری و انتقادگری افزود. پاسخگویی نیاز به فرهنگ‌سازی، به‌ویژه در میان مسئولان، نخبگان، احزاب و رسانه‌ها، دارد. دستگاه‌های نظارتی و پرسشگری مانند مجلس و رسانه‌ها باید تقویت شوند. موانع درون‌سازمانی و عدم پابندی نظام‌مند دستگاه‌های دولتی و غیردولتی باید پیگیری شود. از تجارب دیگر کشورها در این قلمرو می‌توان استفاده کرد و ضروری است نظریه‌پردازی‌های لازم صورت گیرد. در این مسیر، رسانه‌ها باید به اطلاع‌رسانی دقیق، صحیح و صادقانه روی آورند و از برخوردهای جناحی، بانندی و یک‌سویه خودداری کنند؛ همچنان‌که پاسخگویی هم نباید یک‌سویه و یک‌طرفه باشد. امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان اسلامی‌ترین و اصلی‌ترین سازوکار نظارت عمومی باید تحکیم و ساماندهی شود. با سکون و بی‌اعتنایی، ذهنیت قیومیت یا تولی‌گری پاره‌ای مسئولان و یا نهادها حتماً باید مقابله شود و گزارش‌های دوایر و نهادها فقط به قصد رفع تکلیف و آن هم به صورت مقطعی انجام نشود. ضمن اینکه نباید پاسخگویی فقط در مرحله پایان امور صورت گیرد، بلکه ضروری است دستگاه‌ها در کلیه مراحل چهارگانه عملکرد سامانه سیاسی (داده، فرایند، بازده و بازخورد) پاسخگویی مطالبات مردم باشند و آن‌ها را تجمیع کنند و پاسخگو باشند.

به‌علاوه، عرصه پرسشگری باید عاری از هرگونه تهدید و تطمیع باشد. تخریب و مچ‌گیری باید جای نقد نشیند و پرسشگران و پاسخگویان از سعه صدر لازم سود برند و با شفافیت کامل و با پرهیز از سیاه‌نمایی با یکدیگر برخورد کنند. ضمن این‌که سطوح پرسشگری و پاسخگویی در نظام کارآمد، خواه‌ناخواه، باید از یکدیگر تفکیک شوند و

۲۰ اهداف و کارکردهای نظارت در نظام سیاسی اسلام

رعایت این تفکیک‌ها ضروری است. از سویی، قلمرو و اهداف پرسشگری و پاسخگویی و سازوکار اجرایی و قانونمند آن باید مشخص باشد. بدیهی است حاصل پاسخگویی نهادینه شده و عمومی سلامت، اقتدار، توانمندی و در نهایت افزایش کارآمدی و کارایی نظام خواهد بود. در چنین صورتی می‌توان پرسشگری و پاسخگویی را از شاخصه‌های اصلی یک نظام سیاسی کارآمد به‌شمار آورد و آن را از اهداف و پیامدهای نظارت واقعی و کارساز محسوب کرد.

نتیجه‌گیری

پرسش اصلی نوشتار حاضر اهداف و کارکردهای نظام نظارتی در نظام سیاسی اسلام بود و تلاش شد تا حد مقدور با استناد به منابع اسلامی این موضوع به‌گونه‌ای مستند تبیین و گسترده‌گی و متعالی و مترقی بودن این اهداف و کارکردها از جوانب مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی اثبات شود.

نتایج و پیامدهای گسترده‌ای برای امر نظارت در نظام سیاسی اسلام بیان و ملاحظه شد و ابستگی کامل موضوع نظارت با تکالیفی شرعی مانند امر به معروف و نهی از منکر باعث شد که اهداف و کارکردهای بسیار گسترده‌تری را بتوان برای امر نظارت در نظام سیاسی اسلام تصور کرد و با استدلال نشان داده شد که تحقق توحید و اجرای شریعت احیای حق و عدالت‌خواهی و قیام علیه باطل و ظلم، تحقق معروف و جلوگیری از منکرات، اصلاحگری و فسادستیزی، اهتمام به امور مسلمین، حفظ مصالح عمومی، همدردی، همبستگی و تعاون و مودت اجتماعی، تحقق کارویژه‌های حکومت و افزایش کارآمدی آن، مهار و کنترل قدرت سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی شهروندان، انتقادگری و انتقادپذیری، تحقق و ارتقای قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوکردن نظام سیاسی است، که هر یک از این هدف‌ها و کارکردها به تفصیل شرح داده شد.

پی‌نوشت

۱. «أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ إِصْلَاحٍ فِي أُمَّةٍ جَدِي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِي وَأَبِي».
۲. «جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا وَاصْتِلاحَ أَهْلِهَا وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا: جَمْعُ أَوْرِي خَرَاجِ مِصْرَ، جِهَادَ بِأَدِشْمَانَ، إِصْلَاحَ أَهْلِ أَنْ وَعِمْرَانَ وَابْدَانِ مِصْرَ» (نامه ۵۳، بند ۱).

۳. «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و يطيعون الله و رسوله، اولئك سيرحهم الله إن الله عزيز حكيم».
۴. «كلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ» (باب ۶۳، ح ۱۶۶۱۲).
۵. برخی از این آیات از باب نمونه چنین اند: (عنکبوت: ۲)، (قیامه: ۳۶)، (بلد: ۶- ۷)، (مؤمنون: ۱۱۵، ۱۱۷)، (اسراء: ۳۴)، (طلاق: ۸)، (انبیاء: ۱)، (غاشیه: ۲۶).
۶. «فائق الاصبح و جعل الليل سکننا و الشمس والقمر حساباً ذلك تقدیر العزيز العليم».
۷. خطبة ۱۷۵، بند ۱
۸. بندهای ۱۰، ۱۱، ۱۲
۹. بند ۴ و ۵
۱۰. کمیل بن زیاد نخعی از یاران برگزیده امام علی (ع) و از بزرگان تابعین بود و در خلوت امام راه داشت، تا جایی که دعای معروف کمیل از سوی حضرت خطاب به وی انشا شده است. او در سال ۸۲ ق به دستور حجاج بن یوسف شهید شد.
۱۱. نامه ۶
۱۲. نامه ۷۱
۱۳. حکمت ۳۴۳
۱۴. حکمت ۳۸۲
۱۵. حکمت ۸۲
۱۶. حکمت ۸۵
۱۷. حکمت ۲۴۳
۱۸. حکمت ۲۶۶

منابع

- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه (۱۳۸۱). ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه انتشارات حضور.
- نهج البلاغه (۱۳۵۱). شرح و ترجمه سیدعلینقی فیض الاسلام، تهران: بی نا.
- ابن اثیر (۱۳۹۹). الکامل فی التاریخ، ج ۴، بیروت: دار بیروت و دار صادر.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). «عدالت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت»، مندرج در کتاب درآمدهای بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵). درآمدهای بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۲ اهداف و کارکردهای نظارت در نظام سیاسی اسلام

- آل بحر العلوم، سیدمحمدتقی (۱۳۸۴). *مقتل الامام الحسين عليه السلام*، قم: نشر المكتبة الحيدرية.
- جوادی آملی عبدالله [آیت الله] (۱۳۸۵). «نظارت عمومی، امریه معروف و نهی از منکر از عوامل پیشرفت»، *پاسدار اسلام*، آذر، ش ۳۰۰.
- خامنه‌ای، آیت الله سیدعلی (۱۳۸۰/۰۲/۱۰). فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (<http://www.leader.ir>).
- خمینی (ره)، [امام] روح الله (۱۳۸۶). *نرم افزار صحیفه امام*، نسخه ۳، ۲۲ ج، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- خمینی (ره)، [امام] روح الله (بی تا)، *تحریر الوسیله*، ج ۱، نجف: مطبعة الادب فی النجف الاشرف.
- دلوری، رضا (۱۳۸۱). «نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن»، *علوم سیاسی*، پاییز، ش ۱۹.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، تهران: ناصر خسرو.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (بی تا)، *تفسیر نورالتقلین*، قم: اسماعیلیان.
- غزالی، ابو حامد محمد، مؤیدالدین محمد خوارزمی (۱۳۸۴). *احیاء علوم الدین*، ترجمه حسین خدیوچم، تهران: علمی - فرهنگی.
- قادری، حاتم (۱۳۷۹). *اندیشه‌های سیاسی اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۸). *سفینه البحار*، ج ۱، قم: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *اصول کافی*، ج ۲، تهران: علمی اسلامیه.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۳). «آیت الله مطهری و نظارت عمومی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، بهار، ش ۳۱.
- متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۲۴ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *شش مقاله*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). *بیست گفتار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *مجموعه آثار*، ج ۱، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *یادداشت‌های استاد مطهری*، ج ۱۰، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *جامعه و تاریخ*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *ده گفتار*، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، [آیت الله] ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ملک افضل، محسن (۱۳۸۶). «نظارت در سیره حکومتی پیامبر اکرم»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، بهار، ش ۴۳.